

امروزه اوراسیاگرایی چیست؟ چه چیزی به مفهوم اوراسیا شکل می‌دهد؟ هفت معنی کلمه اوراسیاگرایی کدام‌اند؟ روند تکامل نظریه اوراسیایی چگونه بوده است؟

**تغییرات در معنای اصلی اوراسیاگرایی**

اصطلاحات مختلف با استعمال روزمره معنای اصلی خود را طی سالیان متمادی از دست می‌دهند؛ مفاهیم اساسی مانند سوسیالیسم، سرمایه‌داری، دمکراسی و فاشیسم به‌طور عمیقی تغییر معنایی پیدا کرده‌اند. در واقع آن‌ها کلیشه‌ای شده‌اند. اصطلاحات «اوراسیاگرایی» و «اوراسیا» نیز تا حدی مضمول عدم قطعیت هستند؛ زیرا جدیدند و به زبان سیاسی و به زمینه فکری جدیدی تعلق دارند که به تازگی به عرصه وجود آمده‌اند. نظریه اوراسیایی بازتاب فرایندی بسیار کنشگر و پویاست که معنای آن در مسیر تاریخ روشن‌تر شده است، اما به گسترش بیشتر نیاز دارد.

**اوراسیاگرایی به‌عنوان مبارزه‌ای فلسفی**

ایده اوراسیا، نماینده تجدیدنظری اساسی در تاریخ سیاسی، ایدئولوژیک، قومی و مذهبی انسان است. این نظام جدید، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی‌ای را ارائه می‌دهد که بر کلیشه‌های استاندارد فائق می‌آید. نظریه اوراسیا دو دوره را پشت سر گذاشته است: دوره شکل‌گیری اوراسیاگرایی کلاسیک در ابتدای قرن بیستم که از طریق روشنفکران مهاجر روسی مانند تروبتزکوی، ساویتسکی، الکسیف، سووچینسکی، ایلین، برومبرگ و خارادوان انجام گرفت و به دنبال آن ظهور آثار تاریخی لوگومیلوف و سرانجام شکل‌گیری نواوراسیاگرایی از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ تاکنون.

**به‌سمت نو اوراسیاگرایی**

ایده اوراسیایی کلاسیک بی‌تردید مربوط به گذشته است و می‌توان آن را به درستی در چهارچوب ایدئولوژی‌های قرن بیستم دسته‌بندی کرد. دوران اوراسیاگرایی کلاسیک ممکن است سپری شده باشد، اما نواوراسیاگرایی با مفهوم، مقیاس و معنای جدیدی دوباره متولد شده است. هنگامی که ایده اوراسیایی از خاکسترش پدیدار شد، کمتر مشهود بود، اما از آن زمان تاکنون قابلیت پنهان خود را نمایان کرده است. از طریق نواوراسیاگرایی، کل نظریه اوراسیایی بعد جدیدی پیدا کرده است. امروزه نمی‌توانیم از موفقیت‌های نواوراسیاگرایی چشم‌پوشی کنیم و باید در درک آن در بستر مدرن بکوشیم. در این نوشتار جنبه‌های گوناگون این مفهوم را توصیف خواهیم کرد.

**اوراسیاگرایی؛ یک روند جهانی**

● جهانی شدن؛ برداری از تاریخ مدرن

در مفهوم کلی، ایده اوراسیایی و حتی اوراسیا به‌عنوان یک مفهوم، با مرزهای جغرافیایی قاره اوراسیا به‌طور دقیق همخوانی ندارد. نظریه اوراسیایی یک راهبرد در مقیاس جهانی است که بر واقعیت جهانی شدن و پایان «دولت - ملت‌ها» (État-nations)، تأکید می‌کند، اما سناریوی متفاوتی را برای جهانی شدن ارائه می‌دهد که نه یک نظم جهانی تک‌قطبی و نه حکومتی جهانی و فراگیر را ایجاب می‌کند. در عوض، چندین منطقه جهانی مختلف (قطب) را پیشنهاد می‌دهد. نظریه اوراسیایی نسخه جایگزین یا چندقطبی «جهانی شدن» است. در حال حاضر، جهانی شدن مهم‌ترین فرایند بنیادی